

پاورقی (۲۳)

آخرین پناهگاه سالازار

دایان دوکریه . ترجمه: محمدعلی عسگری



موضع او کاملاً روشن بود. سالازار از آن زن زیباروی و کنجکاو خواست در روزهای تعطیل بازگردد. هردو با هم به سانتاکومبا رفتند؛ جایی که او بتواند تحقیقاتش را تکمیل کند. در مسافرخانه «امبروزیا» سکونت داشت و هرروز صبح به همراه یک نیروی پلیس به ملاقات دیکتاتور می‌رفت. این زن توانست ندیای خاص آنتونیو را بشناسد. آنچه را که به‌صورت یک مزرعه خانوادگی وسیع تصور می‌شد، در حقیقت برایش یک‌کلبه کوچک بود. به تعبیر او: «تقریباً یک خانه فسقلی.» حتی شبیه به خانه یک کاهن روستایی و فقیر. ایوانش به رنگ صورتی بود که با گل‌های مختلف تزئین شده بود. اتاق‌های کوچکی داشت که در آنها تنها لوازم ضروری به چشم می‌خورد. کمتر چیزی در آن پیدا می‌شد که علاقه‌ای ایجاد کند. فقط یک‌میز به سبک دوران لویی‌پانزدهم بود که در وسط اتاق قرار داشت. شکل عتیقه‌اش را حفظ کرده بود. اتاق پذیرایی تقریباً خالی بود. سالازار برای صندلی‌ها و پرده‌هایش پارچه پنبه‌ای خوبی انتخاب کرده بود. بر دیوارهای زردرنگ مایل به قهوه‌ای تصویری رمانتیک خوندنمایی می‌کرد. در نزدیکی آن تابلوی نقاشی «دانت» و یک لوح مربوط به دیری از دیر راهبان وابسته به فرقه «بندیکتی»‌ها به چشم می‌خورد. هیچ دفتری یا کتابی وجود نداشت؛ حتی یک تصویر شخصی. «این همان پناهگاه فردی است که او را دیکتاتور می‌نامند؟! سالازار آخرین روزهایش را در یکی از این اتاق‌های خالی از اثاث می‌گذراند. خیلی متأثر شدم.» اتاق خواب به همین سبک؛ حرمی ممنوعه. زمین و تخت از جنس چوب سفید بود؛ پرده‌ای زنگ‌زده و کثیف که مانع دیدن مزرعه‌های بیرون می‌شد. روی دیوار تمثالی از مریم‌عذرا از جنس گچ رنگی دیده می‌شد. در حمام کوچکی که در کنار اتاق قرار داشت، کمی باز بود. سالازار شانه‌ای بلند داشت؛ به همراه یک برس مو از همان نوعی که دانش‌آموزان دارند. می‌گوید: «نمی‌توانم درپایم همه این خلوت و فقر بگونه این‌همه حرارت و اشتیاق را در من برمی‌انگیزخت. در روستا، حضور این غریبه حرف‌وحديث‌های فراوانی را به دنبال داشت. هنگامی که کشاورزان مشغول کارشان بودند، سالازار با اتکا به عصای هندی‌اش با او به گردش می‌رفت. او را می‌برد تا باغ‌های انگور و کشتزارها را نشانند دهد. به شکلی خاص ارکیدهای «مادار» را دوست داشت. فقط گل‌های دارای رنگ براق را می‌پسندید؛ رنگ صورتی، لاجوردی و سفید. هردو با هم در میان گل‌ها می‌نشستند. «آقای رئیس! کل خیلی دوست دارید؟» عمگنانه شکایت کرد: «فقط اینها شادابی اعطاشده به خود را به من اهدا می‌کنند.» این ستایش شرمگانه و مرمزانانه کار خودشان را کرد. می‌گوید: «لحظاتی هست که در آن احساسات آدمی تحریک شده و بار سنگینی از یک ملالت را بر دوش خود حس می‌کند.» کریستین هم به نوبه خود مسحور شده بود. عادت داشت جلو چشمه، پولیش بشیند و هردو باهم در گفت‌وگوهای طولانی غرق شوند. در سانتاکومبا زنی آن‌دو را دید. اسمش «میکاس» بود؛ دختری که سالازار در کودکی او را پرورش داده و بزرگ کرده بود. الان دیگر برای خودش زنی شده بود. آن زن کنجکاو بود که ببیند سرپرست سابقش با آن دختر خارجی چه می‌کند. کریستین دریافت او «زنی تنهاست که رشد کافی نداشته.» یک‌بار دیگر احساسات آن روزنامه‌نگار جوان به‌هم ریخت. او برای یک گفت‌وگو آمده بود پس چرا به حرفه و کارش اهمیتی نمی‌داد؟ خودش می‌گوید:

«فورا به لیسبون برگشتم. نیمه‌های شب بود. در ذهن مغشوشم راه‌ها و پل‌ها درهم‌برهم شده بود. چهره‌هایی که به سوی سالازار هدایت‌م می‌کردند، با هم درمی‌آمیخت. جقدر دوست داشتم که فردا با کمک تخیلاتم صحنه‌های رقص و موسیقی و عشق را می‌آفریدم. در اتاقم یک‌دسته‌گل بزرگ و تمیز دیدم. یعنی خدمتکار با چهره‌ای درهم کشیده آن را آورد. روی آن یک کارت ملاقات از سوی آنتونیو اولیورا سالازار بود. دستکار برگشت و در را بعد از خروجش محکم به‌هم کوفت. نشانه اینکه خوشش نیامده است.» فورا این دختر فرانسوی رفت تا به او پاسخ دهد: «چطور به تو بگویم بس است؛ به‌خاطر گل‌هایی که عمیقاً احساساتم را تحریک کرد، متشکرم! آنها زیباترین گل‌های دنیاست؛ به‌خاطر چنین فکر لطیفی تشکر می‌کنم.»

کریستین شب را بیدار می‌ماند تا بتواند در آن کار کند. شاید ذائقه‌اش در شب بهتر یاری می‌کرد. می‌رفت به دفتری که در نزدیکی اتاق خواب بود. سالازار با دقت پنجره‌ها و درها را می‌بست. شاید کنجکاو ی شاید هم حسادت، میکاس را تحریک کرده بود. بنابراین در اتاق مخصوص کریستین مخفی شد. اتاقی که دیوار به دیوار دفتر کار بود. هرگونه حرکتی را زیر نظر داشت. می‌گوید: «هیچ چیزی ندیدم. همه پنجره‌ها به شکلی غیرعادی بسته بود.»

ادامه دارد...

«هنوز زود است تا از پیروزی اعتراضات سخن گویم. ما به‌توافق رسیدیم تا به راه خود ادامه دهیم، اما نمی‌دانیم هنگامی‌که پای در خیابان بگذاریم، چه چیز در انتظارمان است.» اینها سخنان فیو فیوآنگ، یکی از رهبران معترضان برمه‌ای است که احتمالاً در هیاهوی شادی دانشجویان معترض از اعلام توافق مقامات پلیس با ادامه راهپیمایی آنان به‌سمت رانگون، پایتخت سابق برمه، کم شد. اما تاریخ برای یک‌بار هم که شده ما را غافل‌گیر نکرد. فرقی نمی‌کند شورشیان کوچکانی چینی باشند، با مسلمانان روهینگیا، یا حتی دانشجویانی که به تصویب قوانین جدید آموزشی معترض‌اند. دولت نوپای برمه نیز همچون تمامی همتایان خود که هنوز طعم انسداد سیاسی را در دهان‌شان مزه‌مه می‌کنند، باتوم سرکوب را در اولین فرصت بر نیروهای تحول‌خواه فرود می‌آورد. امید حدود ۲۰۰ نفر از راهپیمان معترض برمه‌ای برای رساندن صدای اعتراض خود تا رانگون نیز که روز گذشته حتی برای سه‌ساعت دوام نیاورد، استثنایی بر این قاعده نیست. آنان که پس از قریب به یک‌ماه توقف در شهر لتپادان، روز گذشته و در پی مذاکره با مقامات امنیتی منطقه یگو، در جنوب برمه، اجازه یافته بودند بدون سردادن هیچ‌گونه شعار یی یا بالا بردن پرچم، مسیر کوتاهی را از بزگرها محلی راهپیمایی کرده و سپس با خودروهای دولتی راهی رانگون شوند. خیلی زودتر از آنچه فکر می‌کردند مسافر کامیون‌های دولتی شدند؛ کامیون‌هایی که مشخص نیست دست‌کم ۳۰ نفر از معترضان را به‌جای مقصد اصلی اعتراضات، یعنی رانگون، به کدام ناکجاآبادی منتقل کرده است. فقط کافی بود دانشجویان معترض که یک‌هفته‌ای بود با سیم‌خاردها و موانع پلیس در پیشاروی خود مواجه بودند، از بست‌نشینی خود در جاده لتپادان، در ۱۴۰کیلومتری شمال رانگون، دست بردارند تا با آماج حملات نیروهای متعدد

و لباس‌شخصی‌ها روبه‌رو شوند. سرکوب خشن روز گذشته از سوی نیروهای امنیتی نه‌تنها منجر به زخمی‌شدن تعداد کثیری از معترضان شد، بلکه گذشته از دانشجویان، چندین راهب و خبرنگاری که به جمع معترضان پیوسته بودند در نیز ناچار از عقب‌نشینی به معبدی بودایی در همان حوالی کرده است. معاون رییس‌پلیس منطقه همچنین درحالی از بازداشت حدود ۱۱۴نفر خبر داده که گزارش‌ها حاکی از آن است که دامنه اعتراضات به رانگون نیز کشیده شده است، البته معترضان رانگونی که ساعاتی پس از سرکوب گسترده هم‌زمان لتپادانی خود، قصد تجمع در مرکز این بزرگ‌ترین شهر کشور را داشتند، حتی فرصت آن را نیافتند تا در سایه هجوم وحشیانه و برق‌آسای نیروهای پلیس برای لحظاتی خیابان را تسخیر کنند. دولت شبه‌دموکراتیک برمه که از سال۲۰۱۱ و پس از سقوط حکومت ۴۹ساله نظامیان، نقاب اصلاح‌طلبی بر چهره زده، از جرقه هرگونه اعتراض در شهر رانگون به شدت

جهان

گروه دانشجویان در مسیر رانگون زمین گیر شد

باتوم سرکوب بر سر معترضان برمه‌ای



پلیس برمه

واهمه دارد؛ چراکه رانگون به لحاظ تاریخی همواره صحنه راهپیمایی‌ها و اعتراضاتی دموکراسی‌خواهانه بوده که برای مثال در سال۱۹۸۸ تمامی کشور را درنوردید و عاقبت به براندازی حکومت نظامی وقت انجامید، اما در شرایطی که دولت برمه تمام تلاش خود را می‌کند تا علاوه بر سرکوب اعتراضات در شهر رانگون، مانع از ورود سایر معترضان به این شهر شود، به‌نظر می‌رسد این شهر لتپادان است که اکنون به قلب تپنده اعتراضات بدل شده است؛ اعتراضاتی که آرام‌آرام به سوی اهدافی فراتر از مطالبات آموزشی ابتدایی خود روی می‌گردان. داستان از آنجا آغاز شد که چشم‌انداز اصلاحات، در کشوری که سال‌ها زیر چکمه‌های نظامیان از کوچک‌ترین آزادی‌های مدنی برخوردار نبود، اتحادیه‌های دانشجویی و کارشناسان آموزشی را به صرافت انداخت تا شاید با ارایه پیشنهاداتی بتوانند به بهترشدن قوانین آموزشی‌ای‌که بنا بود مورد تجدیدنظر واقع شوند، یاری رسانند، اما تصویب لایحه آموزش

قسم الفیصل

سعود الفیصل باسابقه‌ترین وزیر خارجه جهان مقابل پادشاه عربستان سعودی در کاخ «الیمامه» ادای سوگند کرد. پادشاه عربستان در ۲۹ژانویه گذشته دستور تشکیل مجدد کابینه را داد که بر اساس آن، سعود فیصل همچنان در این پست باقی ماند.**(عکاظ)**



پادشاه عربستان سعودی



ولیعهد عربستان سعودی

داعش، کلیسای تاریخی موصل را با خاک یکسان کرد

تکریت در آستانه آزادی

بغداد، احتمالاً عملیات اخیر عراقی‌ها تنها یک تکیه خواهد داشت؛ شکست داعش، کنترل استان ناآرام صلاح‌الدین درواقع بازگرداندن اقتدار دولت مرکزی است و ازهمین‌رو هم کارکردی نمادین و هم استراتژیک دارد. عنصر حیاتی دیگر برای پیروزی عراقی‌ها، تنوع گروه‌های درگیر در جبهه مقابل داعش است. نیروهای مشترک عراقی برای بازپس‌گیری تکریت شامل نیروهای ارتش عراق، اعضای گروه شبه‌نظامی حشد الشعبی، اعضای تیپ سنی صلاح‌الدین و دیگر جنگجویان قبیایل سنی هستند که روی‌هم‌رفته حدود ۳۰هزارجنگجو را تشکیل می‌دهند. نبرد اخیر برای سربازان شیعه، نبردی احساسی هم هست، تکریت همان شهری است که سال گذشته داعش ۲۰۰سرباز شیعه را دستگیر و با قساوت تمام اعدام کرد. نکته دلگرم‌کننده در این نبرد، همکاری مبارزان شیعه و سنی و حمایت آنها از ارتش برای شکست داعش است. این همکاری نه‌تنها در این عملیات مهم است، بلکه راه را برای همکاری‌های بیشتر و به‌ویژه برای بازپس‌گرفتن موصل در آینده هموار می‌کند. به لحاظ سیاسی این گروه‌ها ممکن است همدیگر را نبینند و بی‌شک تنش قومی و فرقه‌ای هم

تیشه داعش بر ریشه بین‌النهرین

و شهرهای باستانی نمرود و هترا بی‌شک قاعده‌ای فراتر از این نرم معمول را نمایندگی می‌کند. سیاست انهدام اماکن و آثار باستانی عراق توسط داعش کاملاً آگاهانه و در راستای یک اندیشه واپس‌گرایانه اعمال می‌شود که قصد دارد با انهدام میراث چندهزارساله بین‌النهرین یک‌تاریخ جعلی و خودخواسته را بر جای آن قرار دهد. جدا از سیاست فرهنگی و اعتقادی داعش که مبتنی بر یک‌چارجوب ارتجاعی و بازگشت به دوران جاهلیت عرب است، این گروه به‌طور زیرکانه یک‌دغدغه دیگر را در خصوص تر پیش‌گرفتن انهدام تاریخ باستان عراق دنبال می‌کند. همواره در کشورهای کهن که سوابق تاریخی آنان یکی از ارکان اصلی حفظ وحدت ملی و هویت متحد در یک جامعه چندفرهنگی، چندمذهبی و چندنژادی است و معمولاً این نقش در میراث فرهنگی آن نمود عینی پیدا می‌کند، هجوم به این میراث برای توند ریشه‌ها و پندهای این وحدت ملی را از هم بگسلد. به عکس تصور بسیاری از تحلیلگران، داعش قصد تصرف تمام عراق را ندارد و آنان به آن میزان از پراگماتیسم سیاسی برخوردارند که می‌دانند هرگز توان حکمرانی بر استان‌های

ملی از سوی پارلمان برمه در ۳۰سپتامبر سال گذشته، چیزی جز ناامیدی به بار نیاورد. این لایحه که حتی رأی مثبت نمایندگان حزب اپوزیسیون «مجمع ملی دموکراسی» به رهبری آن‌ک‌سان‌سوچی را نیز به همراه داشت، با تهدید استقلال دانشگاه‌ها، نظام آموزش عالی را پیش‌ازپیش به سیطره دولت درمی‌آورد. پس از آن بود که سبیل اعتراضات دانشجویان به‌راه افتاد. آنان که ضرب‌الاجلی ۶۰روزه برای اصلاح این لایحه تعیین کرده بودند، گذشته از برگزاری تظاهرات در محوطه دانشگاه‌ها، از آغاز سال‌جاری میلادی با تشکیل ستون‌هایی از دانشجویان، راهپیمایی اعتراضی خود را به سمت رانگون آغاز کردند. حرکت معترضان از شهرهایی در سراسر کشور، از تاوود در جنوب تا ماندالای در مرکز برمه، مقامات را به پای میز مذاکره کشاند. اوایل ماه‌فوریه بود که در پی موافقت دولت با برگزاری مذاکراتی چهارجانبه، نمایندگانی از دولت، پارلمان، مجمع ملی دموکراسی و دانشجویان معترض که کمیته‌ای با عنوان «اقدام برای آموزش دموکراتیک» تشکیل داده بودند، در رانگون گردهم آمدند. بافشاری دانشجویان که خواستار اعمال ۱۱مورد اصلاحات در لایحه آموزشی بودند، دولت را مجاب کرد تا با توافق حول هشت‌مورد از مطالبات، از جمله اعطای حق تشکیل اتحادیه‌های معلمان و دانشجویان و آموزش به زبان‌های محلی، لایحه‌ای اصلاحی را تنظیم و روانه پارلمان کند. اما تاخیر در ارایه اصلاحیات به پارلمان که هنوز پس از قریب به یک‌ماه هیچ‌نشانی از پیشرفت در آن به چشم نمی‌خورد، سبب شد تا دانشجویان معترض از ۱۴فوریه در لتپادان متوقف شده بودند، اوایل ماه جاری از تصمیم خود مبنی‌بر ازسرگیری اعتراضات و راهپیمایی به سمت رانگون سخن گویند؛ تصمیمی که سرهانی شکسته و معترضانی ناپدید شده در لتپادان آخرین دستاورد آن است.

تضعیف ائتلاف ضدداعش



رئیس‌جمهوری اتیوپی

در عراق باقی می‌ماند، اما گذشته از این تفاوت‌ها، همه این گروه‌ها، داعش را به‌عنوان دشمن مشترک خود می‌بینند. مطمئناً قیایل سنی حاضر در عملیات اخیر، بیشتر ضدداعش هستند تا طرفدار دولت عراق، اما همکاری این گروه‌ها با نیروهای شیعه طرفدار دولت پیشرفتی چشمگیر برای کشوری است که تنش‌های قومی و قبیله‌ای همواره یکی از چالش‌های اصلی‌اش بوده است.

تخریب کلیسای تاریخی موصل

همزمان با عملیات گسترده نیروهای عراقی علیه داعش، این گروه در ادامه اقدامات ضدفرهنگی خود، یک کلیسای قدیمی در شمال‌شرق موصل را نیز با خاک یکسان کرد و قبرستان مسیحیان را شخم زد. به گزارش اس‌کای‌نیوز، گروه داعش پیش از این نیز شهرهای باستانی الحضر، نمرود و خوسباد را به‌طور کامل تخریب کرده بود. ساعات پایانی روز دوشنبه اعضای داعش به‌سراغ کلیسای بزرگ «مارکوکیس» واقع در شمال‌شرق شهر موصل رفتند و با کارگذاشتن مواد منفجره در قسمت‌های مختلف آن، این کلیسای تاریخی را با خاک یکسان کردند. کلیسای مارکوکیس یکی از بزرگ‌ترین کلیساهای شهر موصل بود و یک مجتمع مسکونی و خدماتی ویژه این کلیسا و قبرستان مسیحیان موصل نیز در محوطه آن قرار داشت. تاریخ ساخت این بنا که متعلق به مسیحیان کلدانی عراق بود، به واسطه قرن دهم میلادی بازمی‌گردد.

کردنشین و شیعه‌نشین این کشور را نخواهند داشت. به‌همین‌دلیل داعش سیاست انهدام وحدت ملی و تفکیک سرزمینی براساس مرزهای مذهبی را در درون عراق و دیگر کشورهای منطقه از جمله سوریه دنبال می‌کند. اصولاً اتپویای جهانی و خاورمیانه جدیدی که داعش به‌دنبال آن است ابتدا بر اصل شکل‌بخشی به یک‌جغرافیای سیاسی براساس همین مرزبندی‌های مذهبی استوار است در مرحله بعدی براساس تصرف سرزمین‌های غیراسلامی در ورای این مرزهای مقدس را هدف قرار می‌دهد. داعش هم اکنون در مرحله اول پیاده‌سازی طرح خود است و به‌همین‌دلیل اولویت اصلی آنان در این مرحله تفکیک سرزمینی و تغییر در مرزهای بین‌المللی کنونی طبق این الگو است. به‌همین‌دلیل انهدام میراث تاریخی عراق که هم اینک به یک رویه معمول تبدیل شده است، بیش از آنچه مربوط به قاعده «زمین سوخته» در وضعیت شکست باشد ریشه در یک‌تکرر سیستماتیک و اعتقادی برای تحقق اهداف بنیادین حکمرانی خلافت اسلامی در منطقه خواهد داشت. ازآنجا‌که میراث تمدن باستانی بین‌النهرین بسیار فراتر از عراق به تمامی منطقه و حتی تاریخ بشریت تعلق دارد، هرگونه بی‌تفاوتی کشورهای منطقه و جامعه بین‌المللی نسبت‌به آنچه هم‌اکنون در این کشور می‌گذرد، یک‌اشتباه بزرگ و غیرقابل‌جبران خواهد بود.

رویداد

تایید عقب‌کشیدن سلاح‌های سنگین توسط جدایی‌طلبان

● «پترو پوروشنکو»، رییس‌جمهور اوکراین گفت جدایی‌طلبان نزدیک به روسیه در شرق اوکراین مقدار «قابل‌توجهی» از سلاح‌های سنگین خود را عقب کشیده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، او ادامه داد نیروهای دولتی هم بخش اعظم سیستم‌های موشکی و توپخانه سنگین را عقب کشیده‌اند. براساس توافق آتش‌بس که در ماه فوریه در شهر «مینسک» بلاروس امضا شد، هردوظرف باید سلاح‌های سنگین را تا اول‌ماه مارس عقب می‌کشیدند. اکنون به نظر می‌رسد آن آتش‌بس با وجود درگیری‌های پراکنده عمدتاً رعایت می‌شود. هم‌زمان در روز دوشنبه یک دیپلمات ارشد آلمانی به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت «سارای اوباما»، رییس‌جمهور آمریکا ماه گذشته پذیرفت سلاح‌های دفاع مرگبار به اوکراین نفرستد. «پیتر ویتیک»، سفیر آلمان در آمریکا گفت اوباما در جریان دیداری با «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان در کاخ‌سفید با این موضوع موافقت کرده بود چون با خانم مرکل هم‌نظر بود که «باید فضای لازم به تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی داده شود».

نگرانی از نفوذ عناصر افراطی در ارتش آلمان

● رییس سرویس ضداطلاعات ارتش آلمان اعلام کرد «ما این خطر را می‌بینیم که ارتش آلمان به افکار افراطی در جریان دیداری با افراد خشنونت‌طلب بدل شود». به گزارش روزنامه «دی‌ولت»، «کریستف گرام»، رییس سرویس ضداطلاعات ارتش آلمان در سخنان خود اشاره کرد ۲۰سرباز پیشین ارتش آلمان به مناطق جنگی در سوریه و عراق رفته‌اند. گرام تأکید کرد سربازان مشغول به‌خدمت در میان این‌افراد دیده نمی‌شوند. او به ترورهای ماه ژانویه در پاریس اشاره کرد که سوءقصددکنندگان از قرار معلوم توانمندی و شناخت نظامی داشته‌اند. بااین‌حال، گرام هشدار داد با وجود این پیشگیری‌ها، از شمار افرادی که ممکن است جذب افکار افراطی شوند، کاسته نخواهد شد. سرویس ضداطلاعات آلمان از نظر حقوقی فقط مسوول امور اطلاعاتی ارتش آلمان است. پیش از آنکه یک سرباز به خدمت ارتش درآید، این سرویس مورد مشورت قرار می‌گیرد، اما نمی‌تواند وضعیت سربازان آینده کشور را بررسی و درباره آنها تحقیق کند.

واکنش «مادورو» به تحریم‌های آمریکا علیه ونزوئلا

● آمریکا، دولت ونزوئلا را تهدیدی برای امنیت ملی ایالات‌متحده دانست و تحریم‌هایی را علیه هفت‌شخصیت ونزوئلایی اعمال کرده است. به گزارش روتیتر، «نیکلاس مادورو»، رییس‌جمهوری ونزوئلا نیز در واکنش به این اقدامات گفت هدف تحریم‌های تازه آمریکا سرنگونی دولت اوست. به گفته کاخ‌سفید، هفت‌ونزوئلایی که تضعیف فرآیندها و نهاد دموکراتیک، جلوگیری از آزادی بیان، استفاده از خشونت و نقض‌حقوق‌بشر و فساد دولتی نقش داشته‌اند، مورد تحریم قرار گرفته‌اند. «جاش آرنست»، سخنگوی کاخ‌سفید، در بیانیه‌ای اعلام کرد: به‌مقام‌های دولت کنونی و سابق ونزوئلا که در نقض حقوق‌بشر شهروندان ونزوئلایی و همچنین فساد نقش داشته‌اند، آمریکا خوشامد گفته نمی‌شود و اکنون ما ابزارهای لازم برای مسدودکردن دارایی‌های آنها و همچنین ممانعت از استفاده آنان از سیستم مالی آمریکا را داریم. سخنگوی کاخ سفید افزود: ما عمیقاً نگران اقدامات دولت ونزوئلا در تشدید ارباب و سرکوب مخالفان دولت این کشور هستیم. مشکلات ونزوئلا با مجرم‌دانستن مخالفان خود حل نخواهد شد. این در حالی است نیکلاس مادورو در یک‌برنامه تلویزیونی سراسری ضمن محکوم‌کردن آمریکا گفته «باراک اوباما»، رییس‌جمهوری آمریکا شخصاً تصمیم گرفته است دولت او را سرنگون کرده و کنترل ونزوئلا را در دست بگیرد. در همین‌زمینه، ونزوئلا دوشنبه کاردار خود را از واشنگتن فراخواند.

جبهه النصره جدایی از القاعده را تکذیب کرد

● جبهه النصره سوریه با رد خبرهایی مبنی‌بر تصمیم این گروه برای جدایی از القاعده با هدف کسب حمایت غرب، بیر ادامه اثر خدود با القاعده تأکید کرد. به گزارش اس‌کای‌نیوز، جبهه النصره در بیانیه‌ای که در توئیتر منتشر کرد، اخبار منتشرشده از سوی برخی رسانه‌های غربی و عربی مبنی بر تصمیم این گروه برای جدایی از تشکیلات تروریستی القاعده با هدف جلب حمایت غرب را رد و تأکید کرد همچنان شاخه القاعده در سوریه باقی خواهد ماند. پیش‌تر گفته می‌شد سوریه گروهی در داخل کادر رهبری جبهه النصره که خواهان جدایی از القاعده هستند و نیز فشارهای قطر به این گروه، احتمالاً باعث خواهد شد النصره جدایی خود از القاعده را به‌زودی اعلام کند.